

نقد کتاب

لغة الشعر العربي الحديث؛ مقوماتها الفنية و طاقاتها الابداعية

ابوالحسن امین مقدسی*

موسی بیات**، عبدالوحد نویدی***

چکیده

کتاب دانشگاهی امروزه ابزاری مهم برای آموزش به دانشجویان و انتقال اندیشه‌ها به ایشان است. از همین رو، نقد کتاب دانشگاهی در پی آن است تا این‌گونه کتاب‌ها را براساس شاخصه‌هایی استاندارد بررسی و زمینه بهره‌وری هرچه بیش‌تر از این رکن مهم آموزش عالی را فراهم کند. نوشتار حاضر در پی آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و براساس شاخصه‌های ارزیابی شکلی، ساختاری، زبانی، و محتوایی کتاب *لغة الشعر العربي الحديث*، *مقوماتها الفنية و طاقاتها الابداعية* نوشته «سعید ورقی» را بررسی کند و نقاط قوت و ضعف آن را در حوزه نقد شعر معاصر عربی بشناساند. مهم‌ترین نتایج عبارت‌اند از شاخصه‌های ظاهری هم‌چون طرح جلد، طراحی صفحه، و برجسته‌سازی در نگارش رعایت شده است، هرچند عنوان روی جلد برجستگی لازم را ندارد. زبان اثر علمی، تخصصی، و متناسب با موضوع و سطح ویژه مخاطبان خود است. فصول کتاب باعنوان کاملاً تناسب دارند. در ترتیب و چینش فصل‌ها و باب‌ها نوعی تسلسل منطقی و علمی دیده می‌شود. کتاب موردبحث جامعیت و روزآمدی لازم را دارد و توانسته با کتاب‌های هم‌سطح خود ارتباط برقرار کند.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، شعر معاصر، زبان شعر، سعید ورقی.

* دانشیار زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و عربی دانشگاه تهران، abamin@ut.ac.ir

** دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، bayatmoosa@gmail.com

*** دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، navidiv@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

۱. مقدمه

باتوجه به این‌که فناوری چاپ و نشر در دوران معاصر توسعه یافته و هر روز هزاران کتاب منتشر می‌شود، باید برای مقوله نقد اهمیت بسیاری قائل شد. چاپ و انتشار کتاب‌های گوناگون شناسایی آثار مفید را برای افراد دشوار کرده است. این جاست که پای نقد کتاب به میان می‌آید تا از خلال آن بتوان کتاب‌های خوب را از بد و باارزش را از کم‌ارزش و بی‌ارزش تشخیص و در اختیار مخاطبان قرار داد.

بی‌شک، اگر نویسنده با نقد منصفانه کتاب روبه‌رو شود و به علمی و منطقی بودن نقد پی ببرد، تلاش می‌کند که در چاپ‌های بعدی و نگارش آثار جدید، از تکرار مشکلات مشابه و کاستی‌ها بکاهد و بر ارزش مندی اثر خود بیفزاید. سایر نویسندگان نیز می‌توانند از نقدهای مطرح‌شده در راستای تولید محتوای کیفی‌تر و ارزش‌مندتر بهره ببرند (مقدسی و دیگران ۱۳۹۶: ۲۴۰).

در این میان، نقد کتاب دانشگاهی تأثیر مهمی در رشد و توسعه علم و دانش در جامعه، به‌ویژه دانشگاه، دارد و باعث جهت‌دهی اندیشه‌ها و رشد و نمو آن‌ها می‌شود. فرایند نقد می‌تواند میزان کارایی و اثرگذاری کتاب دانشگاهی را بر جامعه دانشجویان ارزیابی کند و بازخورد آن را برای مؤلفان به‌نمایش بگذارد و به‌تبع آن، مؤلفان در تولید آثار دانشگاهی به این دست از نقدها نگاه دارند و در تولید اندیشه‌های جدید آن‌ها را محور قرار می‌دهند. بنابراین، نقد حلقه بین مؤلفان و مخاطبان کتاب است. از طرف دیگر، سرمایه‌گذاران مالی بخش کتاب نیز از این ارتباط و پیوند سود می‌برند و با کشف ذوق و سلیقه مخاطبان خود می‌توانند رونق این بازار فرهنگی را به‌دنبال داشته باشند.

بنابر اهمیت یادشده برای نقد کتاب، این نوشتار در پی آن است تا کتاب *لغة الشعر العربی الحدیث؛ مقوماتها الفنیة و طاقاتها الابداعیة*، نوشته سعید ورقی^۱ را براساس اصول نقد کتاب دانشگاهی در چهار بخش ظاهری، ساختاری، زبانی، و محتوایی بررسی و تحلیل کند.

از مهم‌ترین پرسش‌هایی که نوشتار حاضر در پی پاسخ‌گویی به آن‌هاست، عبارت‌اند از مهم‌ترین شاخصه‌های شکلی کتاب مورد بحث کدام‌اند؟ مهم‌ترین شاخصه‌های محتوایی کتاب مورد بحث کدام‌اند؟ مهم‌ترین اشکالات و مزیت‌های کتاب مزبور کدام‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون و تاجایی که نویسندگان این مقاله اطلاع دارند، درباره کتاب لغة الشعر العربي الحديث؛ مقوماتها الفنية وطاقاتها الابداعية به طور عام و نقد آن به طور خاص هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. بر این اساس، پژوهش پیش رو در نوع خود جدید به شمار می آید.

۳. معرفی کلی اثر

کتاب لغة الشعر العربي الحديث؛ مقوماتها الفنية وطاقاتها الابداعية نوشته سعید ورقی را نشر «دار النهضة العربية» در ۳۷۲ صفحه در سال ۱۹۷۹ م چاپ کرده است. ورقی این کتاب را به بررسی و تحلیل زبان شعر معاصر اختصاص داده است. کتاب حاضر یک مقدمه، چهار باب، و یک خاتمه دارد. نویسنده در مقدمه درباره زبان شعری و عناصر سازنده آن یعنی خیال، تصویر، موسیقی، و مسائل انسانی سخن به میان آورده است. هر باب خود به چند فصل تقسیم شده است.

باب اول دو فصل دارد؛ فصل اول به بررسی زبان شعر معاصر عربی و مفهوم سنتی و جدید شعر اختصاص دارد و فصل دوم به تبیین اصطلاح نقدی و تجربه شعری به منزله تجربه ای هنری پرداخته است. باب دوم سه فصل دارد؛ فصل اول به سیر تکاملی معنای خیال از روزگاران اولیه تا روزگار معاصر پرداخته است، فصل دوم به مسئله خیال در قصیده عربی، و فصل سوم به موضوع خیال و تصویر در شعر جدید عربی اختصاص دارد. باب سوم در دو فصل تنظیم شده است؛ فصل نخست این باب به تصویر موسیقایی قصیده عربی قدیم و تحول آن و فصل دوم به تصویر موسیقایی شعر جدید اختصاص داده شده است. باب چهارم نیز دو فصل دارد؛ فصل اول به موضع گیری اجتماعی و فصل دوم به موضع گیری درونی پرداخته است. نویسنده در خاتمه نیز به مهم ترین دستاوردها و نتایج بررسی خود پرداخته است.

درباره علت انتخاب این اثر باید گفت که اثر مذکور کتاب ارزش مندی در حوزه بررسی زبان شعر معاصر عربی و عناصر هنری و نیروهای ابداعی آن به شمار می آید. بی شک با مطالعه این کتاب می توان به اطلاعات مهم و درخور توجهی در زمینه شعر عربی معاصر دست یافت و برطرف کردن برخی اشکالات شکلی و احیاناً محتوایی اثر مذکور می تواند در انتقال معانی و مفاهیم مورد نظر تأثیر بیش تر و بهتری داشته باشد.

۴. ارزیابی ظاهری

کتاب درسی دانشگاهی حداقل به مدت یک ترم و یا بیش‌تر در دست دانشجو است. بنابراین، دقت در طراحی شکل ظاهری آن امری ضروری است. روان‌شناسان امروزه بر این اعتقادند که درکنار محتوا عوامل دیگری هم‌چون طراحی، گرافیک، رنگ، اندازه و نوع نگارش کلمات، و طرح جلد در یادگیری مخاطبان تأثیر به‌سزایی دارد.

۱،۴ طرح جلد

طرح جلد کتاب در اولین برخورد چشمی به دید می‌آید و درواقع، شناسنامه و معرف محتوای کتاب است. «طرح روی جلد از جمله اولین و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری اولیه در جذب مخاطب برای خواندن کتاب است و می‌تواند شوق لازم جهت توجه به یک کتاب یا دافعه جهت عدم توجه به آن را در بر داشته باشد» (اکبری‌تبار ۱۳۹۱: ۱۲۹).

جلد کتاب *لغة الشعر العربی الحدیث* شومیز است و این نوع جلد به‌دلیل انعطاف بسیار محکم و متناسب با کتاب‌های دانشگاهی است. رنگ‌بندی و طراحی جلد از دیگر ویژگی‌های مهم یک کتاب است و نقش بسیار مهمی در جذب خوانندگان به موضوع کتاب دارد. نکته بسیار مهم دیگر این‌که عنوان کتاب بر روی جلد کتاب می‌بایست بسیار برجسته باشد، اما عنوان کتاب حاضر به رنگ قهوه‌ای روشن در زمینه قهوه‌ای تیره نوشته شده و هیچ‌گونه برجستگی ندارد و حتی به‌سختی می‌توان عنوان کتاب را خواند و این نکته‌ای منفی در جلد کتاب است.

۲،۴ حجم کتاب

حجم کتاب ارتباط مستقیمی با هدف و مخاطبان کتاب دارد، زیرا اگر کتابی قطور برای کودکان نوشته شود، مخاطب از خواندن آن خسته می‌شود و رهایش می‌کند، اما همان حجم برای مخاطب بزرگ‌سال خالی از اشکال است. از طرف دیگر، علاوه‌بر مخاطب در نظر داشتن تعداد واحدهای درسی برای یک کتاب دانشگاهی بسیار مهم است و «می‌توان گفت برای هر واحد درسی میانگین حدود یک‌صد صفحه مناسب است» (رضی ۱۳۸۸: ۲۱). کتاب *لغة الشعر العربی الحدیث؛ مقوماتها الفنیة و طاقاتها الابداعیة* با حجم ۳۷۲ صفحه، به‌منظور منبع درسی برای دانشجویان کارشناسی بسیار حجیم و نامناسب است،

اما برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری، باتوجه به ارتقای مقطع تحصیلی و افزایش دامنه مطالعات آنها، مناسب است.

۳،۴ صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری

صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری سهم مهمی در جذب مخاطب به خواندن کتاب و ایجاد انرژی و نشاط برای جلوگیری از رفع خستگی زودرس در زمان خواندن دارد. روان‌شناسان یادگیری به نظریه یادگیری حسی قائل‌اند و برآن‌اند که یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که حس‌ها تحریک می‌شوند و «با استفاده از روش‌های خاص، مانند کادر، تغییر رنگ، حروف، اندازه حروف، تغییر نوع حروف می‌توان حس بصری را تحریک کرد و یادگیری از متون درسی را ارتقا داد» (جمالی زواره و دیگران ۱۳۸۸: ۲۴). صفحه‌آرایی نیز شکل و شمایل صفحات کتاب است که خواننده طی خواندن متن با آن مواجه است.

صفحه‌آرایی شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیکست با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل چه درگاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است (انوری و دیگران ۱۳۷۷: ۸۲).

متن کتاب با قلم traditional Arabic نوشته شده و این قلم در همه جای متن کتاب رعایت شده است. قلم traditional Arabic متناسب با نگارش علمی و دانشگاهی است. روی جلد کتاب نام نویسنده، نام انتشارات، و عنوان‌های اصلی و فرعی هر یک با قلمی متفاوت از متن اصلی نوشته شده‌اند که این تفاوت در نوع نگارش برجستگی بصری ایجاد کرده است. عنوان‌های اصلی و فرعی در تمام اثر با قلمی متفاوت و سیاه (bold) نوشته شده است و به راحتی از متن اصلی قابل تشخیص است.

نویسنده اصول صفحه‌نگاری را رعایت کرده است. آغاز هر بخش هم‌چون مقدمه و آغاز هر فصل برخلاف صفحات معمولی در متن اصلی از سطر چهارم شروع می‌شوند. در صورتی که متن اصلی از سطر اول شروع می‌شود و این امر باعث ایجاد تفاوت بین متن اصلی و آغاز بخش‌ها می‌شود. هر فصل که به پایان می‌رسد، یک صفحه سفید و بعد از آن صفحه عنوان فصل می‌آید و البته بعد از صفحه عنوان فصل صفحه سفید دیگری نیز قرار می‌گیرد و این امر تمایز و تفکیک بین فصل‌ها و متن اصلی را بسیار برجسته نشان می‌دهد.

۵. ارزیابی ساختاری

ساختار کتاب دانشگاهی می‌بایست علمی و متناسب با اهداف درس موردنظر باشد. یک ساختار منظم، به‌ویژه در کتاب‌های دانشگاهی، نقش بسیار مهمی در انسجام فکری خواننده و جذب او برای خواندن و یادگیری بهتر دارد. «پژوهش‌ها نشان می‌دهند آن دسته از کتاب‌های درسی که سازمان‌دهی بهتری دارند و یا سازمان‌دهی خود را برای خواننده روشن و آشکار می‌سازند، بر میزان فهمیدن، به‌خاطر سپردن و به‌کار بستن اطلاعات آموخته‌شده می‌افزاید» (ملکی ۱۳۸۴: ۱۳).

۱,۵ فصل بندی

نویسنده در هر بحث که ورود پیدا می‌کند، در ابتدا نظریات اندیشمندان قدیم و جدید را بررسی می‌کند و نمونه‌های شعری فراوانی نیز برای صحت ادعای خود می‌آورد. در باب اول، تعریف شعر و خیال شعری در نزد اندیشمندان قدیم غربی و عربی را می‌آورد و سپس به بررسی این موضوع نزد اندیشمندان معاصر می‌پردازد. در باب دوم، به اجزای زبان شعر (تصویر و خیال) روی آورده است. باب سوم به بررسی موسیقی و باب چهارم نیز به تحلیل تجربه‌های شعری معاصر عربی می‌پردازد.

۲,۵ اهداف کتاب

نویسنده در مقدمه هدف خود را چنین بیان می‌کند: «بررسی تجربه شعری عربی معاصر در چهارچوب هنری و انسانی از طریق یک روش عملی مبتنی بر متن شعری» (ورقی ۱۹۸۴: ۹). اما این هدف به‌صورت کلی فقط در مقدمه ذکر می‌شود و برخلاف رویه معمول کتاب‌های دانشگاهی در ابتدای هر فصل اهداف کلی، جزئی، و رفتاری آن فصل را ذکر نمی‌کند. باید توجه داشت که کتاب دانشگاهی در پی آن است که تغییراتی در حوزه‌های شناختی و رفتاری در مخاطب ایجاد کند و می‌بایست «رفتار قابل مشاهده‌ای که موردانتظار است، در قالب هدف‌های رفتاری و شرایط عملکرد آن مشخص شود» (رضی ۱۳۸۸: ۲۴). بنابراین، مشخص کردن اهداف بسیار ضروری است که کتاب حاضر از آن بی‌بهره است.

۳,۵ ساختار فصل‌ها

کتاب دانشگاهی می‌بایست در آغاز هر فصل مقدمه یا پیش‌گفتاری برای ورود به بحث داشته باشد تا دانشجو با فضای محتوایی فصل جدید آشنا و زمینه عاطفی و شناختی در او فراهم شود. این بخش از فصل در کتاب‌های دانشگاهی به صورت مجزا از فصل و در ابتدای آن می‌آید.

نویسنده در آغاز هر قسمت از کتاب که می‌خواهد بحث جدیدی را مطرح کند، برای آمادگی ذهنی مخاطب مقدمه‌ای را بیان می‌کند و به دنبال آن بحث اصلی خود را می‌آورد و از این لحاظ بسیار خوب عمل کرده است. مقدمه‌ای که نویسنده طرح می‌کند به صورت ساختاری عنوان مقدمه ندارد، بلکه بدون عنوان مطرح می‌شود و از لحاظ معنایی بسیار پیوسته به بحث اصلی است؛ مثلاً در قسمت سوم از فصل اول، با عنوان «الموقف الشعري في القصيدة العربية الحديثة» صفحه ۳۴، در ابتدا از جنبش‌های فرهنگی و اصلاحی آغازین عصر حدیث سخن می‌گوید و ادامه می‌دهد که برخی هم‌چون سیدجمال‌الدین افغانی و محمد عبده دعوت بازگشت به میراث ادبی دوران شکوفایی تمدن اسلامی را داشته‌اند و برخی دیگر که با زبان‌های غربی آشنایی داشته‌اند دعوت به تأثیرپذیری از فرهنگ غربی کرده‌اند. و در ادامه طرح این مباحث می‌گوید همین دوگانگی جریانی در دیدگاه شعری و جنبش‌های اصلاحی آن برقرار بوده است.

۴,۵ جمع‌بندی اطلاعات، تصاویر، نمودارها، و فهرست‌ها

جمع‌بندی مطالب ارائه‌شده در یک فصل به خواننده کمک می‌کند تا متن را عمیق یاد بگیرد و در صورت نیاز با صرف کم‌ترین وقت آن‌ها را مرور کند. تصاویر و نمودارها داده‌های بسیاری را در یک جا و به صورت خلاصه به مخاطب ارائه می‌دهند و چون این داده‌ها در شکلی متفاوت از متن ارائه شده‌اند، موجب نشاط و تنوع در روند خواندن می‌شوند. در بسیاری از پژوهش‌های مصاحبه‌ای دانشجویان «ارائه یک مقدمه و خلاصه خوب را در ابتدای فصل لازم دانستند و اظهار داشتند که از تصاویر، نمودارها، جدول‌ها، و نقشه‌ها مطالب زیادی را یاد می‌گیرند» (یارمحمدیان ۱۳۸۸: ۴۵، ۴۶).

ورقی در پایان فصول و باب‌ها جمع‌بندی ارائه نمی‌دهد و سراسر کتاب از شاخصه‌های صوری همانند جدول، نقشه، و نمودار خالی است. در حالی که این شاخصه‌های صوری می‌توانند نقش مهمی در ارائه مطالب کتاب به صورت یک‌جا داشته باشند، اما سعید

ورقی در آخر کتاب در حدود ۱۰ صفحه به جمع‌بندی اختصاص داده است که می‌تواند مطالب کتاب را به صورت خلاصه و گویا به دانشجویان ارائه دهد.

۵,۵ ارجاع‌دهی

نویسنده از منابع دست‌اول در اثر خود بسیار بهره برده است. آن‌گاه که می‌خواهد دربارهٔ متنی سخن بگوید و گفته‌ای را از ادیب، نویسنده، و منتقدی نقل قول کند، به اثر اصلی ارجاع می‌دهد. مثلاً، ارجاع دوم، صفحه ۳۱، استناد به گفتهٔ تی. اس. الیوت؛ در این ارجاع نویسنده برای توجیه و بیان نظر خود گفته‌ای از الیوت را ذکر می‌کند و آن گفته را از متن اصلی اقتباس می‌کند. نکتهٔ مهم‌تر دربارهٔ این‌گونه ارجاعات و صحت علمی آن‌ها این است که نویسنده با شناختی که از زبان انگلیسی دارد به اصل آثار رجوع می‌کند و به ترجمهٔ عربی این آثار مهم بسنده نمی‌کند. نمونه‌های دیگری از این دست ارجاع‌ها صفحه ۱۰۵، ارجاع اول است.

نویسنده در تمام متن کتاب ارجاعات را در پانویس آورده و این روند نوعی یک‌دستی به متن اثر داده است. منابع آخر کتاب را در سه بخش «المراجع»، «المراجع الأجنبية»، و «المصادر» آورده است و آثار مربوط به هر بخش را جداگانه ذکر کرده است. این نوع از تقسیم منابع به اصول علمی کتاب‌نامه‌ای نزدیک‌تر و مناسب‌تر است.

نکتهٔ مهم دیگر این‌که نویسنده امانت را در ارجاع به منابع و مصادر رعایت می‌کند و بر این کار اصرار می‌ورزد. چنان‌که گاهی حتی دو واژه را که از یک منبع می‌گیرد، به آن اثر ارجاع می‌دهد و اگر ارجاعات بی‌درپی بیاید، از ذکر تمامی آن‌ها هیچ ابایی ندارد. برای مثال، در صفحه ۱۰۶ پاراگراف اول ۷ سطر است و در آن ۶ ارجاع آمده و ارجاع آخر دو واژه «التجربة النفسية» است که این دو واژه را به «الغربال، صفحه ۸۹» ارجاع می‌دهد.

ارجاعات متنی را درون گیومه (») قرار می‌دهد و این امر بر صحت و امانت علمی ارجاعات می‌افزاید، البته گاهی از این اصل عدول می‌کند (مثال: ارجاع سوم، صفحه ۱۰۷). ابیات را درون گیومه قرار نمی‌دهد، بلکه در ابتدای ابیات شمارهٔ ارجاع آن‌ها را می‌نویسد و در پانویس به منبع ابیات ارجاع می‌دهد، اما گاهی ابیاتی را می‌یابیم که ارجاع ندارند (ص ۱۰۷). گاه نیز شمارهٔ ارجاع ابیات را در ابتدا یا انتهای ابیات نمی‌آورد، بلکه در متن که دربارهٔ شاعر و یا ابیات توضیحی می‌دهد شمارهٔ ارجاع را می‌نویسد (ص ۱۱۲). بنابراین، متن کتاب از این لحاظ یک‌دستی لازم را ندارد.

نویسنده در شیوه ارجاع‌دهی از الگوی «نام نویسنده، نام کتاب، شماره صفحه» استفاده می‌کند و در صورت تکرار یک منبع در همان صفحه برای بار دوم نام نویسنده را ذکر نمی‌کند. البته این شیوه الگویی است که نویسنده در متن کتاب از آن پیروی کرده، اما در برخی از موارد از این شیوه عدول کرده است که در ادامه به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد:

- محمد غنیمی هلال، *النقد الادبی الحديث*، ص ۳۹۶: صفحه ۱۶.

- *النقد الادبی الحديث*، ص ۳۷۲: صفحه ۱۶.

البته همان‌طور که گفتیم، نویسنده گاهی از این الگو پیروی نکرده است:

- محمد غنیمی هلال، *النقد الادبی الحديث*، ۳۹۶: صفحه ۱۶.

- د. محمد غنیمی هلال، *النقد الادبی الحديث*، ۲۳: صفحه ۱۷.

- د. غنیمی هلال، *النقد الادبی الحديث*، ۳۷۴: صفحه ۱۷.

ورقی گاهی یک اثر را اولین بار بدون ذکر نام صاحب اثر می‌نویسد:

- *دراسات فی الشعر العربي المعاصر*، ص ۱۶۹: صفحه ۲۱ و در دو صفحه بعد نام صاحب اثر را در کنار نام اثر ذکر می‌کند و این روند برخلاف الگوی علمی ارجاع‌دهی است.

- د. شوقی ضیف: *دراسات فی الشعر العربي المعاصر*، ص ص ۱۲۱-۱۲۲: صفحه ۲۳.

نکته دیگر این‌که، نویسنده ارجاعات پشت‌سرهم و تکراری را با واژه‌هایی همانند «السابق»، «السابق نفسه»، و... نمی‌آورد، بلکه ارجاع اول را برای بار دوم عیناً تکرار می‌کند (ص ۸۶). جالب این‌که گاهی در ابتدای صفحه و بدون وجود هیچ ارجاع دیگری عبارت «المرجع السابق» را به‌عنوان اولین ارجاع صفحه ذکر می‌کند (ص ۹۰).

۶. ارزیابی زبانی

هر متنی با توجه به مخاطب خود زبان ویژه‌ای را می‌طلبد و نقش این زبان در فهم متن بسیار مهم است. «زبان علمی زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که الفاظ در آن معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آن‌که برسر کلمات و ترکیبات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می‌شود» (سمیعی ۱۳۷۸: ۴۴).

بنابراین، در یک کتاب دانشگاهی، که با هدف توضیح و تبیین موضوعی علمی نگاشته می‌شود، شایسته نیست که از استعاره، کنایه، ایهام، و جملات دوپهلوی استفاده کنیم، زیرا همه این‌ها مانعی بر سر راه درک معنا از سوی مخاطب است. «رسایی متن دانشگاهی به معنای آن است که محتوای کتاب درعین مفهوم بودن با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص زمینه‌مربوط تهیه و تدوین شود» (کاردان ۱۳۸۲: ۱۹).

نویسنده از علائم سجاوندی هم‌چون «»، «؟»، «:»، و «...» در نگارش متن به‌خوبی و به‌جا استفاده کرده است و در این مورد اشکالی به‌نظر نمی‌رسد. جملات پاراگراف‌ها بیش‌تر کوتاه است و این امر فهم معنا را برای مخاطب روان می‌کند.

نویسنده مطالب کتاب را بسیار واضح آورده است. از لغات ساده و روان و جملات گویا استفاده کرده است، اما گاهی کتاب رو به‌سوی دیربایی می‌نهد و فهم متن به‌دقت و بازخوانی نیاز دارد، البته موضوع کتاب بررسی مسئله علمی در حوزه زبان شعر است و مخاطب تخصصی خود را دارد. نویسنده بنابه نیاز گاهی در متن برخی از واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی را به‌کار می‌برد که آن‌ها را در طی سطور توضیح می‌دهد، مثال: واژه «اللامتنی: صفحه ۲۸۳» و «اللامتنی الجماعی: صفحه ۲۸۹». البته، توضیحات شاعر به‌صورت ساختاری در پانویس کتاب نیامده است و کل کتاب خالی از این ساختار است. برای مثال، واژه «اللامتنی» را در صفحه ۲۸۱ توضیح می‌دهد.

۷. ارزیابی محتوایی

۱,۷ روزآمدی

دانش بشر در تمامی حوزه‌های آن، به‌ویژه ادبیات، هرروز درحال تغییر است و در این عرصه نظریه‌ها و مکاتب نقدی جدیدی ارائه می‌شوند که نگاه مخاطب را به ادبیات و فهم آن تغییر می‌دهند و به او کمک می‌کنند تا خوانش جدیدی از ادبیات و مسائل مربوط به آن به‌دست بیاورد. بنابراین، به‌روزرسانی کتاب‌های دانشگاهی بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. نکته مهم دیگر این‌که بخشی از خوانش ادبیات برپایه ذوق است و این ویژگی انسان طی زمان دگرگون می‌شود. بنابراین، «کتاب درسی باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را در بر داشته باشد و مطالب آن هرچند یک‌بار موردتجدیدنظر قرار گیرد و به‌روز شود» (رضی ۱۳۸۸: ۲۲).

زبان شعر عربی، به‌ویژه در دوران معاصر، از موضوعات پرچالش در حوزه ادبیات معاصر بوده است و این موضوع از ابتدای دوره معاصر در میان نوگرایان و محافظه‌گرایان محل کشمکش و نزاع بوده است. هریک از این دو گروه در اثبات ادعای خود دلایلی را ذکر می‌کردند، بدون آن‌که کم‌تر پژوهش‌گری به‌صورت جامع به بررسی زبان شعر معاصر بپردازد. بنابراین، می‌توان پژوهش *لغة الشعر العربي الحديث* را طرحی جدی در این عرصه قلمداد کرد. نکته ابداعی دیگر این‌که اثر حاضر به جانب‌داری از گروه خاصی نمی‌پردازد، بلکه در طرح مسئله و تحلیل‌های خود زبان شعر معاصر را نوعی ضرورت و هم‌سویی با تجربه‌های ذهنی و اجتماعی شاعر معاصر عرب می‌داند و تجربه‌های بشری را جزئی از مؤلفه‌های تأثیرگذار زبان شعری قلمداد می‌کند و این موضوع را در «الباب الرابع» از صفحه ۲۲۳ مطرح می‌کند.

یا در صفحه ۱۲۵ در بحث «موقف الشعر الجديد من الخيال و الصورة»، کارکرد تصویر شعری در شعر معاصر عرب را فقط برقراری پیوند میان اشیا در متن شعری نمی‌داند، بلکه فراتر از آن تصویر شعری معاصر را آفرینش‌گر معانی می‌داند.

۲,۷ جامعیت

کتاب درسی دانشگاهی می‌بایست تمامی سرفصل‌های مربوط به موضوع خود را داشته باشد و البته نه به این معنا که همانند دائرةالمعارف تمامی اطلاعات را در خود جای دهد، بلکه متناسب با هدف کتاب، که معمولاً نویسنده در مقدمه و یا در آغاز هر فصل به آن اشاره می‌کند، جامعیت داشته باشد.

بنابر عنوان کتاب و هدف نویسنده از نگاشت کتاب، که در مقدمه ذکر شده، موضوع کتاب زبان شعر معاصر عربی است. بنابراین، نویسنده در همین چهارچوب موضوع خود را پرورش داده و موضوعات موردتوجه در این عرصه هم‌چون خیال، موسیقی، تصویر، و تجربه بشری را بررسی و تحلیل کرده و ریشه این موضوعات را در مکاتب و دوره‌های مختلف ادبی جست‌وجو کرده است. پس، می‌توان نوعی جامعیت در اثر سعید ورقی یافت.

۳,۷ ارتباط افقی با سایر درس‌ها

کتاب‌های دانشگاهی با هم‌راه‌های دیگر که در یک مجموعه قرار می‌گیرند، در جهت رشد فکری دانشجویان نقش هم‌افزایی دارند و خواننده با کمک همه این مجموعه به درک

درستی از موضوع دست می‌یابد. «یکی از شاخص‌های اثربخش بودن برنامه درسی و به تبع آن کتاب‌های درسی و سایر مواد آموزشی میزان و نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. هر قدر مواد درسی بیش‌تر به یکدیگر مربوط باشند، امکان برقراری ارتباط بین آن‌ها بیش‌تر است» (ملکی ۱۳۸۵: ۱۵). برخی از دروس در سلسله طولی با دروس دیگر پیوستگی دارند و بعضی از دروس ارتباط هم‌زمانی با هم دارند؛ یعنی هم‌زمان در یک دوره درسی ارائه می‌شوند. محتوای کتاب‌های درسی باید آن‌گونه باشد که امکان ارتباط با سایر دروس وابسته و واحدهای درسی مرتبط را برای دانشجو فراهم کند (متین ۱۳۸۳: ۹۴-۹۵). این ارتباط می‌تواند از طریق پیوند مطالب به دانسته‌های قبلی و یادآوری آن‌ها، پیش‌بینی برخی مطالب و سرفصل‌ها برای دروس آینده، و طراحی پرسش و پژوهش‌هایی با نیاز به مراجعه به منابع طولی یا هم‌زمانی باشد.

سعید ورقی هنگام طرح مسائل خود در حوزه زبان شعر به مکاتب ادبی، اندیشمندان، و متون شعری گریزی می‌زند و از یافته‌های آن‌ها استفاده می‌کند و این چنین نوعی پیوند بین مخاطب و منابع مورد استفاده برقرار می‌کند. علاوه بر این، نویسنده در مقدمه کتاب به برخی نویسندگان و پژوهش‌گران در سطح هم‌زمانی خود هم‌چون لویس عوض، امپانیوس میخائیل، و عصام محفوظ اشاره می‌کند (ورقی ۱۹۸۴: ۹). نویسنده نه فقط به این آثار اشاره می‌کند، بلکه در متن کتاب از داده‌های آن‌ها نیز بهره می‌برد. ورقی علاوه بر ارتباط هم‌زمانی، نوعی ارتباط طولی با آثار ادبی در این موضوع برقرار می‌کند و از همه آن‌ها در نگارش متن استفاده می‌کند.

۴,۷ ظرفیت مطالب کتاب در برقراری ارتباط با موضوعات میان‌رشته‌ای

در گذشته هریک از شاخه‌های دانش بشری بدون در نظر داشتن پیوند آن با سایر دانش‌ها بررسی و تحلیل می‌شد، اما «امروزه مباحث میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات علمی دارند. این دیدگاه محصول تعامل بین دو یا چند رشته علمی برای پژوهش درباره مسئله‌ای است و نتیجه آن وحدت بخشی به دانش‌های متفاوت در عصر کنونی است» (رضی ۱۳۸۸: ۲۳). در واقع، با نظریات جدیدی که در حوزه علم مطرح شده است، نمی‌توان هیچ دانشی را محدود و منحصر به مرزهای خود در نظر گرفت و «سیر پیشرفت علوم به ما می‌آموزد که علم به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بین رشته‌ای است و علوم علی‌رغم محدود بودن در چهارچوب رشته علمی بخشی از روایت‌های دانش‌های دیگرند» (رها دوست ۱۳۸۲: ۲۰۰).

ورقی به کمک موضوعات و روش طرح آنها توانسته است با بخشی از دانش در حوزه ادبیات هم‌چون تاریخ ادبیات، مکاتب ادبی، موسیقی، و تصویر ارتباط برقرار کند و خواننده را به تفکر، تعمق، و مطالعه در این باب وادارد، زیرا برخی مباحث در این حوزه مطرح است که جز با رجوع به آن آثار و مطالعه در این باره نمی‌توان آن را درک و تحلیل کرد، اما در این باره نکته‌ای منفی است این‌که ورقی در این کتاب نتوانسته است به‌صورت کارآمد با دانش زبان‌شناسی ارتباط برقرار کند، درحالی‌که این دانش و موضوع آن پیوند عمیقی با زبان شعر و اجزای آن دارد.

۵,۷ طرح سؤال‌های جدید و افق‌های تازه

کتاب درسی دانشگاهی، با توجه به مخاطب خاصش، که دانشجویان کنجکاو و کاوش‌گرند، رسالتش فقط انتقال اطلاعات به آنها نیست، بلکه «باید مطالب آن بتواند سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش‌روی آنها بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنجکاوی و کاوش‌گری در دانشجویان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می‌یابد» (رضی ۱۳۸۸: ۲۳). بنابراین، آموختن روش اندیشیدن و نه اندیشه‌ها رسالت کتاب دانشگاهی موفق است. در واقع، رسالت کتاب دانشگاهی با خواندن متن به‌پایان نمی‌رسد، بلکه با ایجاد چالش‌هایی در آموخته‌های قبلی دانشجو فرایند یادگیری را تا مدت‌ها ادامه می‌دهد. بنابراین، ضروری است که «کتاب‌های درسی باید طوری طراحی شوند که با طرح مسائل و سؤال‌ها و فعالیت‌های یادگیری، فرصت‌های یادگیری بیش‌تر را برای دانشجویان فراهم نماید» (ملکی ۱۳۷۶: ۱۵۳).

سعید ورقی در جایگاه نویسنده کتاب دانشگاهی می‌بایست در مقدمه هدف نگارش کتاب را مطرح می‌کرد، اما در مقدمه هیچ سؤالی را طرح نکرده است و این امر باعث سردرگمی دانشجو می‌شود. علاوه‌براین، کتاب دانشگاهی در آغاز فصل‌ها سؤالاتی را مطرح می‌کند که از دانشجو انتظار می‌رود در پایان فصل بتواند به آنها پاسخ دهد، اما در آغاز هیچ‌یک از فصل‌های این کتاب سؤالی مطرح نشده است.

۸. نتیجه‌گیری

۱. کتاب لغة الشعر العربي الحديث، مقوماتها الفنية و طاقاتها الابداعية از لحاظ ارزیابی ظاهری شاخصه‌هایی هم‌چون طرح جلد، طراحی صفحه، و حروف‌نگاری به‌درستی مورد توجه قرار

گرفته است و از این نظر استانداردهای دانشگاهی را دارد و فقط عنوان کتاب تاحدی برجستگی لازم ندارد؛

۲. فصول کتاب متناسب با عنوان اثر و براساس نوعی نظم منطقی نگاشته شده است.

این تسلسل مطالب و نظم منطقی بین فصول در محتوا و متن هر فصل نیز دیده می‌شود؛

۳. زبان اثر علمی، شیوا، و متناسب با موضوع و سطح علمی مخاطبان است. موضوع اثر تاحدی زبان اثر را پیچیده کرده، اما این امر باتوجه به سطح تخصصی مخاطب کتاب و نوع موضوع آن، یعنی زبان‌شناسی، توجیه‌پذیر است؛

۴. کتاب حاضر باتوجه به عنوان و اهداف نگارش اثر، که در مقدمه ذکر شده، جامعیت دارد و تمام زوایای ذی‌ربط را فرا می‌گیرد. از طرفی، کتاب توانسته است با سایر سرفصل‌ها و کتاب‌های هم‌سطح خود ارتباط داشته باشد و از منابع کهن نیز به‌خوبی استفاده کرده است؛

۵. نویسنده فقط در پی انتقال حجمی از اطلاعات به خواننده نیست، بلکه با ارائه آرای گروه‌های مختلف سعی دارد که این اندیشه را تحلیل و بررسی کند و از این طریق نیز روش بررسی و تفکر را به مخاطب نشان دهد؛

۶. باتوجه به نتایج گفته‌شده، کتاب مورد بحث می‌تواند یک منبع کمک آموزشی برای درس بررسی و تحلیل شعر معاصر عربی، نه سرفصل اصلی در دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری باشد.

پی‌نوشت

۱. سعید ورقی استاد دانشکده ادبیات گروه زبان عربی دانشگاه اسکندریه، در سال ۱۹۴۳ م در دسوق به دنیا آمد. از وی چهار مجموعه داستان چاپ شده است. در سال ۲۰۱۲ م، از طرف دانشگاه اسکندریه نامزد جایزه سلطان علی العویس در حوزه پژوهش‌ها و مطالعات ادبی و نقدی انتخاب شد. کتاب‌ها و تألیفات زیادی از وی بر جای مانده است؛ از جمله *اتجاهات القصة القصيرة في الأدب العربي، اتجاهات الرواية العربية المعاصرة، تطور البناء الفني في أدب المسرح العربي المعاصر، الرؤيا الإبداعية، في سرديات الأدب المعاصر، في الأدب العربي المعاصر*.

کتاب‌نامه

اکبری تبار، علی اکبر (۱۳۹۱)، «مطالعه‌ای در باب فرایند طراحی جلد کتاب؛ به‌همراه نتایج نظرسنجی درمورد طرح جلد کتاب‌های انتشارات سوره مهر»، فصل‌نامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر، ش ۵.

- امین مقدسی، ابوالحسن، عبدالوحید نویدی، و موسی بیات (۱۳۹۶)، «معرفی، نقد و بررسی کتاب *نصوص من الأدب الأندلسی*»، *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ش ۴۳.
- انوری، حسن و علی محمد پشت‌دار (۱۳۷۷)، *آیین نگارش و ویرایش (۲)*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- جمالی زواره، بتول و دیگران (۱۳۸۸)، «بررسی معیارهای روان‌شناختی تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *مجله عیار*، ش ۲۳.
- رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *سخن سمت*، ش ۲۱.
- رهادوست، بهار (۱۳۸۲)، «رویکرد بین‌رشته‌ای و مطالعات ادبی»، *زیباشناخت*، ش ۹.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۸)، *نگارش و ویرایش*، تهران: سمت.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۲)، «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن»، *سخن سمت*، ش ۱۰.
- ملکی، حسن (۱۳۷۶)، *برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل*، تهران: پیام اندیشه.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴)، «شیوه طراحی و تألیف کتب درسی»، *سخن سمت*، ش ۱۵.
- ملکی، حسن (۱۳۸۵)، «مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی»، *سخن سمت*، ش ۱۷.
- یارمحمدیان، حسین و دیگران (۱۳۸۸)، «ارزیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی علوم انسانی براساس شاخص‌های مطلوب کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *مجله عیار*، ش ۲۳.

